

فرشهای صفویه موزه فرش ایران

با حمله مغولان در سده هفتم (۶۱۳ ه. ق.) به ایران آن چنان توفانی از ویرانی در این سرزمین بر پا شد که همه مراکز علمی، کتابخانه‌ها، باغات، و مزارع سرسبز نابود و اغلب بزرگان فرهنگ و هنر این مرز و بوم از بین رفتند. با این همه سنت‌های فرهنگی — هنری کشورمان به شیوه‌های باور نکردنی حفظ شد و چندی نگذشت که فرمانروایان مغول علاقه مند به فرهنگ ایرانی — اسلامی شدند. بعد از مغولان نیز تیموریان از ۷۸۷ ه. ق. تا ۹۰۷ ه. ق. قدرت را به دست گرفتند و یکی از با شکوه‌ترین مکتب‌های هنری و فرهنگی در هرات بوجود آمد و آثار باشکوه معماری و کتابت و نگارگری در این عصر به اوج و اعتلای خود رسید. تأسیس سلسله صفوی در سال ۹۰۷ ه. ق. (۱۱۴۷ م.) به دست شاه اسماعیل (۹۰۷ - ۹۳۰ ه. ق.) صورت گرفت، سپس شاه تهماسب (۹۳۰ - ۹۸۴ ه. ق.) و شاه عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ه. ق.) به حکومت رسیدند. در این عصر مذهب تشیع مذهب رسمی دولت ایران اعلام گردید، در نتیجه، آزادی بیشتری در جامعه به هنرمندان اعطا شد.

از ویژگیهای مهم این دوره تاریخی عالیاقه حاکمان به هنرهای سنتی اعم از کتابت، نگارگری، معماری، کاشیکاری، و قالیبافی بود.

هنر قالیبافی از اصیل‌ترین هنرهای ایرانی، و دارای سابقه‌ای بس طولانی در این سرزمین است. قالی، به سبب مواد تشکیل دهنده آن از عمر چندان بر خوردار نیست به استثنای قالیچه پازیریک که در سال ۱۹۴۹ از مقبره‌ای متعلق به یکی از امرای سکایی از میان یخ‌های کوهستان آلتای واقع در سیبری، نزدیک مرز مغولستان، بصورت معجزه‌آسایی سالم به دست ما رسیده، قدیمی‌ترین نمونه‌های دستباف به جای مانده به صورت فرشپاره و قطعات پوسیده متعلق به سده هفتم هجری قمری است. از مینیاتورهای دوره تیموریان سده نهم ه. ق. / پانزدهم م. چنین استنباط می‌شود که قالیه‌ها و قالیچه‌ها از طرح و رنگ زیبایی برخوردار بوده‌اند و دارای طرحهای چند ترنج تکراری به صورت نقشمایه‌های هشت ضلعی و ستاره‌ای شکل متشکل از خطوط راست خط هندسی با حاشیه‌های کوفی بودند (۲) اواخر سده نهم ه. ق. مینیاتورهای مکتب هرات قالی‌هایی با نقشمایه‌های خطی خمیده یا گردان و طرح‌های لچک و ترنج، (نقش ترنجی در مرکز زمینه اصلی قالی‌ها و ربع ترنج‌هایی در چهار گوشه قالی) به چشم می‌خورد. تأثیر هنر خاور دور هنوز در بسیاری از طراحی قالی‌ها محسوس است.

طرح اسلیمی‌های طوماری، ماری یا ابرچینی، دهان اژدري، خرطوم فیلی همراه با شاخ و برگ‌های گردان بر هم تابیده یا به صورت متقاطع زمینه قالی‌ها را زینت می‌دهد.

گاهی این نقوش در شبکه‌های بندی و در ردیف‌هایی تنظیم می‌شوند و طرح‌های بندی قالی را به وجود می‌آورند. در دهه اول سده دهم ه. ق. نقشمایه برگی جای خود را به نقوش ختایی یا گل و شکوفه‌های ریز و درشت می‌دهد به نظر این ترکیب نقوش و طرح به شدت مورد پسند قرار می‌گیرد به گونه‌ای که امروز نیز در قالیبافی به کار برده می‌شود. تعداد زیادی از قالی‌های دوره صفوی نیز با این طرح بافته می‌شود. در دهه‌های بعدی سده دهم ه. ق. بسیاری از ترکیب‌بندی مکتب هرات در قالی‌ها مورد تقلید قرار گرفته هیکل‌های هراتی با جامه دوره صفوی بادستاری که عمامه‌وار به دور کلاه قرمز و چوبی که از تارک آن بیرون زده مشاهده می‌شوند. عمامه یا دستار قزلباش‌ها در طرح قالی و مینیاتورها نسبت به ربع بعدی سده دهم ه. ق. شلتر و کمی بزرگتر است. سه قالی که از این دوره باقی مانده‌اند و تاریخ بافت آنها در کتیبه‌ها ضبط شده، یک جفت قالی معروف به قالیهای اردبیل یا شیخ صفی و قالی با طرح شکارگاه است که امروزه در موزه پتسوپولدی میلان نگهداری می‌شود.

در کتیبه قالی‌های اردبیل غزلی از حافظ با مضمون زیر آمده است: جز آستان توام در جهان پناهی نیست سر مرا به جز این در حواله گاهی نیست در زیر آن «عمل عبد در گاه قدسی جایگاه مقصود کاشانی به سال ۹۴۶ هجری قمری» دیده می‌شود. کتیبه نمونه سوم با مضمون زیر است: «به اهتمام غیاث الدین جامی این اثر با جمال خود دل از همگان می‌رباید به اتمام رسید سال ۹۴۹ هجری قمری» طراحی این قالیها تلفیقی است از سبک هراتی و سبک اوایل دوره صفوی. ترنج ۱۶ گوشه یا نقش درناهای در حال پرواز در کنار ابرهای چینی شبیه سبک چینی است.؟

لباس‌های سوارکاران کاملاً شبیه مینیاتورهای خمسه نظامی به خط شیخ زاده یا دیوان میرعلی شیرنوايي موجود در کتابخانه پاریس است. هنرمندان، در اوایل دوره صفوی به تکرار و اقتباس صرف دوره پیشین اکتفا نکرده‌اند و طرح‌های جدیدی مانند گل‌های نیلوفر، صدف‌برگ، انواع گل‌های شاه‌عباسی و ختایی را طراحی کرده به همراه غنچه‌ها و شاخ و برگ‌های اسلیمی و ابر چینی به کار برده‌اند.

در اوایل سده ۱۰ ه. ق. به همت استاد بهزاد و شاگردانش مانند قاسم‌علی، میرک، میرزا علی، سلطان محمد، و میرسعیدعلی تحول عظیمی در طرح قالی‌ها بنیان گذاشته شد. این هنرمندان از هرات به تبریز رفته. مکتب هنری تبریز را پایه‌گذاری کردند. حاشیه قالیها در این دوره اهمیت بیشتری یافته است و طراحان قالی در طراحی حاشیه‌ها جزئیات و دقت بیشتری به خرج داده‌اند. معمولاً حاشیه اصلی در میان چند رشته حاشیه فرعی محاط شده است، در حالی که ترکیب و هماهنگی رنگ آن با زمینه قالی و همخوانی نقوش کاملاً رعایت شده است. از ویژگیهای دیگر طرح حاشیه قالی‌های این عصر، اسلیمی‌های در هم پیچیده است که اکثر اکتیبه‌هایی در میان آنها دیده می‌شود. طرح ترنج‌های مرکزی قالی‌های بزرگپارچه نیز متحول شده از شکل مدور به بیضی و نقش

ستاره‌ای شکل تغییر یافته و کلاله یا سرترنج‌هایی به صورت کتیبه به ترنج مرکزی متصل شده است. علاوه بر قالی‌هایی با طرح ترنجدار، لچک و ترنج کتیبه‌دار، قابقای، قالی‌های جانوری و شکاری روی زمینه گل و بوته دار درختی و باغی و افشان، زیلو و گلیم زربفت نیز در عصر شاه طهماسب صفوی بافته شده است که رنگ‌های بدیع و ترکیب متوازن و متقارن نقوش، ویژگی‌های بارز این دوره را به نمایش می‌آورد. از نمونه‌های بسیار زیبا با طرح حیواندار و شکار، قالیچه‌ای است که گفته می‌شود از مقبره شیخ صفی در اردبیل به دست آمده است. روی زمینه اصلی قالیچه پنج دسته از حیوانات شامل شیر و ببر و گوزن که به غزال‌هایی حمله کرده‌اند به صورت قرینه و حیوانات منفرد دیده می‌شوند.

توازن طرح‌ها و ریتم تکرار آن‌ها و تلفیق نقوش حیوانات با طرح گل و بوته در زمینه، مهارت هنرمندان این دوره از حکومت صفوی را نشان می‌دهد. قالی‌های طرح جانوری در شرق ایران (خراسان) نیز در این دوره بافته می‌شده است.

دو نمونه از شناخته شده‌ترین قالی‌های این گروه را می‌توان قالی‌هایی که تزار روسیه پتر کبیر (در سال ۱۶۹۸) به هنگام تاجگذاری لئوپولد امپراتور اتریش به او هدیه کرده نام برد. زمینه اصلی قالیها، مرغزاری سرسبز پوشیده از گل و بوته و شاخ و برگ‌های پیچان چرخان را همراه با شعاری در مدح شاه، که احتمالاً شاه طهماسب است، نشان می‌دهد. امروزه این قالی‌ها در موزه هنرهای کاربردی اتریش و موزه متروپولیتن نگهداری می‌شوند. تفاوت سبک قالی‌های حیواندار شرق ایران با قالی‌های شمال غربی و تبریز را می‌توان چنین بیان کرد: در حالی که در تبریز زمینه گل و بوته تابع طرح حیوانات است و صرفاً طرح فرعی به حساب می‌آید، در قالی‌های خراسان نقوش حیوانات در میان زمینه طرح افشان با تزیینات بسیار به صورت نامشخصی مخفی و پراکنده است. همچنین با وجود توازنی که بین نقوش و رنگ‌های قالی‌های بافت تبریز وجود دارد، شفافیت و رنگ‌های غنی قالی‌های بافت خراسان بر شکوه و عظمت آن‌ها می‌افزاید. از قالی‌های بسیار شاخص این عصر می‌توان قالی‌های حیوانداری را که در جهان به قالی‌های سنگشگو مشهور هستند نام برد.

این نام به این سبب به این گروه از قالی‌های نفیس اطلاق شده که تعدادی از زیباترین آنها به شاهزاده‌ای لهستانی به نام سنگشگو تعلق داشت. قالی سنگشگوی موجود در موزه فرش ایران، فرشی است با زمینه تیره پوشیده از نقوش حیوانات واقعی و افسانه‌ای که در حالت‌های متفاوتی قرار دارند. در مرکز قالی ترنج شکلی نقش بسته است که صحنه شکار پر جنب و جوش را نشان می‌دهد. این نمونه قالی از شاهکارهای قالیبافی دوران صفوی به‌شمار می‌رود و سرشار از رنگ‌های شاداب و تصاویر پیکار حیوانات و نیز نقوش انسانی در مقابل درخت زندگی است. از نکات مشترک طرح قالی‌های سنگشگو وجود نوار خاصی به دور قابهای نقشمایه‌ها و طرح

برگ‌های بزرگ در حاشیه و نقش طاووس و ماهی‌های قرینه را می‌توان نام برد. براساس عقاید کارشناسان محل بافت این گروه از قالی‌ها کاشان یا کرمان یا تبریز بوده است.

وجود قالی اردبیل که به دست مقصود کاشانی با گره نامتقارن در آذربایجان بافته شده، این نظریه را که هنرمندان ایرانی دوره صفوی در سراسر کشور به فعالیت هنری مشغول بودند تأیید می‌کند. در این عصر همزمان با بافت قالی‌های پشمن، قالی‌های ابریشمی اکثراً برای تزئین کاخ‌های امرا و ارمغان‌های شاهانه برای سلاطین خارجی بافته می‌شد.

از جمله قالی‌هایی مجلل و نفیس ابریشمی که امروزه نسبتاً سالم باقی مانده‌اند، شماری از قالی‌های ابریشمی هدیه شده به سلطان سلیم ثانی پادشاه عثمانی در سال ۹۷۵ ه. ق. است که به صورت ساده و زربفت با نقوش حیوانات و طرح افشان به دست هنرمندانی چون استاد سلطان محمد از مینیاتوریست‌های دربار شاه تهماسب طراحی و در کارگاه‌های سلطنتی آن عصر بافته شده‌اند. با وجود اینکه بافت قالی‌های ابریشمی در شهرهای مختلف در این دوره شمار بیشتری یافته بود، ولی حتی امروزه نیز این گروه قالی‌ها به «قالی‌های کوچک و بزرگ کاشان» معروف است.

از مشخصه‌های این قالیچه‌ها تقارن جهت‌دار در طراحی آنهاست. دوره حکومت شاه تهماسب عصری طلایی برای همه رشته‌های هنری است؛ اما در ربع سوم سده دهم ه. ق. زاهد منشی شاه صفوی موجب کاهش حمایت وی از هنرمندان شد، در نتیجه آن مهاجرت هنرمندان به سرزمین‌های دیگر به خصوص هند آغاز گردید. شاه عباس (۱۵۸۷ — ۱۶۲۸ م.) اصفهان را به عنوان پایتخت و مرکز حکومتی انتخاب کرد و کارگاه‌های سلطنتی بیشتری در شهرهای مختلف کشور ایجاد گردید و قالی‌های مجلل و نفیس ابریشمی و زربفت با رنگ‌های بدیع که نشانگر اوج و اعتلای صنعت رنگرزی بود، بافته شد.

از جمله قالی‌های باشکوه و ارزشمند می‌توان به قالی‌هایی که به سفارش پادشاه لهستان زیگسموند سوم واسا و خانواده‌های اشرافی و نجبای لهستان در اصفهان و کاشان بافته شدند اشاره کرد. این قالی‌ها که در حدود ۳۰۰ تخته قالی‌پرزدار گل برجسته و گلیم زربفت می‌باشند، گفته می‌شود در سال ۱۶۰۲ با سرپرستی استاد کاری ارمنی بنام سفر موراوویچ بافته شده‌اند، این گروه از قالی‌ها مدت‌ها به لهستانی بودن مشهور بودند، بخصوص در یک نمایشگاه هنری در کاخ تروکادرو که در سال ۱۸۷۸ بر پا شده بود، یک تخته فرش توسط چارتوریسکی لهستانی با یک علامت تکراری به نمایش در آمده بود. که تصور می‌شد علامت روی فرش نشان خانواده سلطنتی لهستان است و بدین ترتیب این فرش به قطعه لهستانی معروف گشت. بعدها بابررسی‌های بیشتر توسط کارشناسانی چون بوده و مارتین، ایرانی بودن آنها محرز گردید. این قالی‌ها با طرحانی چون لچک و ترنج مانند نمونه موجود در سنت مارکودرونیز — طرح قابیابی (نمونه

موجود در موزه مترو پولتین) طرح نقوش تکراری (نمونه موجود در اسکوک لوسترسوئد) بافته شده در اواسط سده یازدهم در دوره شاه صفی (۱۶۲۹ - ۱۶۴۲ م.) و شاه عباس ثانی (۱۶۴۲ - ۱۶۷۴ م.) (این هنر رواج داشت. اشارات قابل توجهی در سفرنامه های سیاحان غربی مانند پل سیمون (راهب مذهبی) کوروسینسکی، یا سرجان شاردن (۳) به هنر قالیبافی و نمونه های نفیس و مجلل موجود در کاخهای سلطنتی ایران و یا هدایای شاهانه مشاهده می شود.

قالی های گلدانی، افشان، و اسلیمی های سیال و ابر چینی که به طرح هراتی یا اصفهان نیز مشهور شده و اکثراً به کشورهای اروپایی مانند اسپانیا و هلند و پرتغال و هند صادر شده اند بیشتر از سده های پیشین تولید شد. رنگ شاخص غالب این سبک قالی ها لاکه با حاشیه سرمه ای و سبز تیره است. تصاویر قالی های این سده نیز (سده ۱۱ ه. ق. ۱۷ م.) در آثار نقاشانی مانند ولزکوئز (Velazquez)، روبن (Ruben)، وان دایک (Uan Dyke)، ورمیر (Uermer)، دو هوک (Dehooock)، و بول (Bol)

دریده می شوند — در سال های متأخرتر سده (۱۲ ه. ق.) این طرح در مناطق قالی بافی دیگری چون آذربایجان، کردستان، و حتی قفقاز نیز رایج شد.

علاوه بر تفاوت طیف رنگی قالی های مناطق مختلف با شرق ایران، طرح زمینه و حاشیه قالی ها نیز با طرح هرات تفاوت هایی داشت. اواخر دوره صفویان یعنی حدود سال های میانه سده ۱۲ ه. ق. قالی های طرح درختی و باغی با حاشیه ای به نقش خطوط نیمه گردان، زمینه را در بر می گیرد، ترکیب و تابناکی رنگ ها جبران طرح های ساده و نیمه هندسی آنها را می کند. سبک دیگری از قالی های باغی در سده ۱۲ ه. ق. در جنوب و شمال غربی ایران بافته شده اند که طرح آنها از اندیشه هشت بهشت و چهارباغ آرمانی ایرانیان مسلمان الهام گرفته شده است. در این سبک قالی زمینه اصلی را کرت های مربع مستطیل پوشیده از گل های الون و جویبارهای آب روان و استخر مرکزی درختان سرو و پرندگان بر سر شاخسارها می پوشاند و بر زیبایی و شکوه آنها می افزاید. یکی از زیباترین نمونه های این قالی بافت کرمان در موزه جیپور هند نگهداری می شود در موزه فرش ایران فرشپاره، با این طرح، بافت آذربایجان موجود است. در این دوره از تاریخ گلیم های نفیسی نیز با نقوش گل و گیاه، هندسی، یا حیوانات و شکار و پیکار ازدها به کار برده شده است.

نقشمایه های انسان در صحنه های مختلف ملهم از ادب فارسی و اساطیر ایران موضوع طرحهای این دستبافته هاست.

قالیهای باقی مانده از عصر صفوی به دلیل تعداد اندک و محدودشان در جهان از اهمیت بسیاری برخوردارند و این امر مسئولیت سنگین موزه فرش ایران را در حفظ و نگهداری آنها بیشتر می کند.

از سوی دیگر بر پایی نمایشگاه‌ها و به نمایش در آوردن این آثار فرصتی برای محققان و پژوهشگران به وجود می‌آورد تا نکات تاریک بسیاری را در زمینه تاریخ و فرهنگ غنی ایران زمین روشن کنند

